



رجعت چیست و چه کسانی را شامل می شود؟

رجعت از جمله معتقدات شیعه امامیه است، و به معنای بازگشت به سوی دنیا، پس از مرگ و پیش از آخرت می باشد که با اندک فاصله بعد از ظهور ولی عصر(عج) و پیش از شهادت آن حضرت و بر پا شدن قیامت واقع خواهد شد.

رجعت از جمله معتقدات شیعه امامیه است، و به معنای بازگشت به سوی دنیا، پس از مرگ و پیش از آخرت می باشد که با اندک فاصله بعد از ظهور ولی عصر(عج) و پیش از شهادت آن حضرت و بر پا شدن قیامت واقع خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، رجعت، در لغت به معنای بازگشتن، و برگشتن می باشد. [۱] و در اصطلاح به این معناست که عده ای از افراد (مومنین خالص و مشرکین محض) پس از مردن و قبل از برپایی قیامت دوباره به این دنیا بر می گردند. اعتقاد به رجعت، از جمله معتقدات مذهب اهل البیت است و مستند به آیات و روایات متعدد می باشد.

وقوع رجعت در آیات و روایات

الف) آیات:

از تدبر در آیات قرآن می توان نتیجه گرفت که قرآن کریم به دو گونه به مسأله رجعت اشاره نموده است: الف) آیاتی که به وقوع رجعت در آینده اشاره دارد مانند، آیه شریفه ۸۲ از سوره نمل که خداوند در این آیه می فرماید: « (به خاطر آور) روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند محشور می کنیم؛ و آنها را نگه می داریم تا به یکدیگر ملحق شوند!». بسیاری از بزرگان این آیه را اشاره به مسأله رجعت و بازگشت گروهی از بدکاران و نیکوکاران به همین دنیا در آستانه رستاخیز می دانند، چرا که اگر اشاره به خود رستاخیز و قیامت باشد، تعبیر به من کل امة فوجا (از هر جمعیتی، گروهی) صحیح نیست، زیرا در قیامت، همه محشور می شوند، چنان که قرآن در آیه ۴۷ سوره کهف می گوید: «ما آنها را محشور می کنیم و احدی را ترک نخواهم گفت».

ب) آیاتی که به وقوع حوادثی در امت های پیشین اشاره می فرماید که در واقع نوعی رجعت محسوب می شود، مانند این آیات:

۱ آیه ۲۵۹ سوره بقره. در باره ی پیامبری است که از کنار یک آبادی عبور کرد در حالی که دیوارهای آن فرو ریخته بود و اجساد و استخوانهای اهل آن در هر سو پراکنده شده بود، و از خود پرسید چگونه خداوند این ها را پس از مرگ زنده می کند، اما خدا او را یکصد سال میراند و سپس زنده کرد و به او گفت چقدر درنگ کردی؟ عرض کرد یک روز یا قسمتی از آن، فرمود نه بلکه یکصد سال بر تو گذشت [۲] این پیامبر، عزیر باشد یا پیامبر دیگری تفاوت نمی کند، مهم صراحت قرآن در زندگی پس از مرگ است در همین دنیا. [۳]

۲ - آیه ۲۴۳ سوره بقره. سخن از جمعیت دیگری به میان می آورد که از ترس مرگ (و طبق گفته مفسران به بهانه بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند و) از خانه های خود بیرون رفتند خداوند فرمان مرگ به آنها داد و سپس آنها را زنده کرد [۴]

۳ - آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره. در باره بنی اسرائیل می خوانیم که گروهی از آنها بعد از تقاضای مشاهده خداوند گرفتار صاعقه مرگباری شدند و مردند، سپس خداوند آنها را به زندگی بازگرداند تا شکر نعمت او را بجا آورند. [۵]

۴ - آیه ۱۱۰ سوره مائده ضمن بر شمردن معجزات عیسی (ع) می فرماید: «تو مردگان را به فرمان من زنده می کردی» [۶] این تعبیر نشان می دهد که مسیح(ع) از این معجزه خود (احیای موتی) استفاده کرد، بلکه تعبیر به فعل مضارع (تخرج) دلیل بر تکرار آن است و این خود یک نوع رجعت برای بعضی محسوب می شود.

۵ : آیه ۷۳ سوره بقره در مورد کشته ای که در بنی اسرائیل برای پیدا کردن قاتلش نزاع و جدال برخاسته بود، می باشد و این گونه می گوید : دستور داده شد گاوی را با ویژگی هایی سر ببرند و بخشی از آن را بر بدن مرده زنند تا به حیات بازگردد (و قاتل خود را معرفی کند و نزاع خاتمه یابد). [۷]

علاوه بر این پنج مورد، موارد دیگری در قرآن مجید دیده می شود هم چون داستان اصحاب کهف که آن نیز چیزی شبیه به رجعت بود، و داستان مرغهای چهار گانه ابراهیم(ع) که بعد از ذبح بار دیگر به زندگی بازگشتند تا امکان معاد را در مورد انسانها

برای او مجسم سازند که در مسأله رجعت نیز قابل توجه است. [۸]

(ب) روایات:

امام صادق(ع) در مورد (رجعت) می فرماید: «به خدا سوگند که روزها و شبها به سر نیاید تا آن که خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهلش باز گرداند و دین برگزیده خود را بر پای دارد و بر جهان حاکم گرداند.»

هم چنین مأمون به امام رضا(ع) عرض کرد: ای ابالحسن نظر شما در باره رجعت چیست؟ حضرت فرمودند: «رجعت حقیقت دارد. در میان امتهای پیشین نیز وجود داشته است و قرآن از آن سخن به میان آورده و رسول خدا(ص) فرموده است: هر چه در امتهای گذشته بوده در میان این امت نیز عیناً و مو به مو پیش خواهد آمد.» [۹]

البته روایات در این زمینه فراوان است ولی به جهت اختصار به همین دو روایت بسنده می کنیم.

وقوع رجعت از منظر عقل و فلسفه

در اینجا لازم است به چند مورد از حکمت و فلسفه امر رجعت اشاره نمائیم:

۱- رسیدن به تکامل: عالم دنیا ظرف فعلیت یافتن قوه ها و تکامل استعدادها است و برای رسیدن به آخرت خلق شده است تا موجودات را در دامن خود پرورش داده به تکامل مطلوب برساند، اما از آنجایی که عده ای از مؤمنان خالص به خاطر موانع و مرگهای غیر طبیعی از ادامه این مسیر معنوی باز مانده اند. حکمت خدای حکیم ایجاب می کند که آنان به دنیا بر گردند و سفر تکاملی خود را به پایان برسانند. چنان چه امام صادق(ع) می فرماید: «هر مؤمنی که کشته شده باشد به دنیا بر می گردد تا بعد از زندگی مجدد به مرگ طبیعی بمیرد و هر مؤمنی که مرده باشد به دنیا بر می گردد تا کشته شود (و به ثواب شهادت برسد).» [۱۰]

۲- کیفر دنیوی: چه بسا افرادی در این دنیا بودند که از تمامی حقوقشان به عنوان های مختلفی محروم گشته و مظلومانه به قتل رسیده اند بدون این که حق او گرفته شده باشد، از حکمت های رجعت این است که خداوند، هر دو طرف را به دنیا بر می گرداند تا شخص مظلوم به دست خود داد خود را از ظالم بگیرد. از امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «مردمی که مرده اند به دنیا بازگشت خواهند کرد تا انتقام خود را بگیرند، به هر کس آزاری رسیده به مثل آن قصاص می کند و هر کس خشمی دیده بماند آن انتقام می گیرد و هر کس کشته شده، قاتل را به دست خود به تقاص خون خود می کشد و برای این منظور دشمنان آنان نیز به دنیا بر می گردند تا آنها خون ریخته شده خود را تلافی کنند و بعد از کشتن آنها سی ماه زنده می مانند، سپس همگی در یک شب می میرند، در حالی که انتقام خون خود را گرفته و دلهایشان شفا یافته است، دشمنان آنها به سخت ترین عذاب دوزخ مبتلا می شوند.» [۱۱]

بنا بر این هدف از بازگشت مجدد این دو گروه، تکمیل یک حلقه تکاملی برای دسته ی اول و تنزل به پست ترین درجه ذلت برای دسته ی دوم است و با توجه به این که رجعت عمومی نیست و اختصاص به مؤمنان خالص و کافران محض دارد، چنان چه امام صادق علیه السلام فرمود: «رجعت جنبه عمومی ندارد، بلکه اختصاص دارد به کسانی که به ایمان کامل و شرک خالص رسیده باشند. [۱۲] معلوم می شود که این دو مورد از حکمت های اساسی رجعت است.

۳- یاری دین و شرکت در تشکیل حکومت عدل جهانی: از آیات و روایات متعدد استفاده می شود که دین اسلام و حکومت عدل الهی به دست توانمند و با کفایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله جهانگیر می شود، خداوند می فرماید: «همانا ما فرستادگان خویش و مؤمنان را در دنیا و روزی که شاهدان بر خیزند، یاری خواهیم کرد.» [۱۳]

از ظاهر این آیه استفاده می شود که این نصرت دسته جمعی انجام می شود نه به صورت فردی اما از این که چنین نصرتی هنوز تحقق پیدا نکرده است، قطعاً در آینده محقق خواهد شد، زیرا وعده الهی تخلف ناپذیر است. لذا امام صادق علیه السلام در تفسیر همین آیه می فرماید: «به خدا سوگند این نصرت در رجعت است چرا که بسیاری از پیامبران و ائمه علیهم السلام در دنیا کشته شدند و کسی آنها را یاری نکرد؟ و این مطلب در رجعت تحقق خواهد یافت» [۱۴]

و نیز امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: «هو الذی ارسل...» یعنی او کسی است که رسول خود را با دین حق برای هدایت بشر فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند. فرموده: یظهره الله عزوجل فی الرجعة: یعنی خداوند دین حق را در رجعت بر سایر ادیان برتری می دهد.» [۱۵]

زمان وقوع رجعت

روایاتی در این خصوص وارد شده است که رجعت با اندک فاصله بعد از ظهور ولی عصر(عج) و پیش از شهادت آن حضرت و بر پا شدن قیامت واقع خواهد شد.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید: (چون زمان قیام قائم(عج) فرا رسد در ماه جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب چنان بارانی ببارد که مردم مانند آن را ندیده باشند، سپس خداوند به سبب آن باران گوشت و استخوان مؤمنان را در قبرهایشان برویاند، گویی آنان را می نگریم که از طرف جهنم [۱۶] می آیند و گرد و غبار موهایشان را می تکانند.» [۱۷]

نکته ی پایانی این که: بر اساس روایات اولین رجعت کننده حضرت سیدالشهدا(ع) می باشد، و از خود آن امام(ع) این چنین نقل شده که: «من نخستین کسی هستم که زمین شکاف می خورد و از آن بیرون می آیم و این همزمان است با رجعت امیرالمؤمنین(ع) و قیام قائم ما(عج)». [۱۸]

به همین مضمون روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که می فرماید: (نخستین کسی که به دنیا بر می گردد، حسین ابن علی(ع) است، او چندان فرمانروایی می کند که بر اثر پیری، ابروانش بر روی چشمانش فرو می افتد.» [۱۹]

[۱] فرهنگ معین، ج ۲ ص ۱۶۴۰.

[۲] بقره، ۲۵۹.

[۳] "فاماته الله مائة عام ثم بعثه".

[۴] "فقال لهم الله موتوا ثم احياهم".

[۵] "ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون".

[۶] "و اذ تخرج الموتى باذن".

[۷] "فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى و يريكم آياته لعلكم تعقلون".

[۸] - تفسیر نمونه، ج ۱۵، صص ۵۴۶ ۵۵۷.

[۹] عیون اخبار الرضا (ع)، ۱/۲۰۱/۲ به نقل از میزان الحکمه حدیث شماره ۶۹۲۴ و ۶۹۲۶.

[۱۰] بحار، ج ۵۳، ص ۴۰.

[۱۱] دوانی، علی، مهدی موعود، ترجمه ج ۱۳، ص ۱۱۸۸، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۷.

[۱۲] ضمیری، محمدرضا، رجعت، ص ۵۵، نشر موعود، تهران، چ دوم، ۱۳۸۰.

[۱۳] مؤمن، ۱۰.

[۱۴] یزدی حائری، شیخ علی، الزام الناصب، قم، موسسه مطبوعاتی حق بین، ۱۳۹۷ ق.

[۱۵] بحار، ج ۵۳، ص ۶۴.

[۱۶] جهنم: نام محلی است دور از مدینه و قبیله ای به همین نام آمده است. مجمع البحرین ج ۶ ص ۲۳۰.

[۱۷] میزان الحکمه حدیث شماره ۶۹۲۸.

[۱۸] میزان الحکمه حدیث شماره ۶۹۳۷.

[۱۹] میزان الحکمه حدیث شماره ۶۹۳۵.

منبع: اسلام کوئست